تنظیر حکم صوم فطر به بحث صحیح و اعم؛ دو ارتکاز و دو تواتر

(6:15)

خلاصه عرض ما این شد؛ مرحوم سید فرمودند: معارض است، «لااحتمال کونه من شوال». عرض من این بود: این ارتکازی که مرحوم سید دارند قبول است. اصلاً در آن مشکلی ندارید. اما از مجموع ادله و ارتکاز دیگری که در پایان مباحث عرض کردم -ده‌ها از آقایان هم مناقشات خیلی خوبی داشتید- این ارتکاز در ذهن به‌عنوان یک ارتکاز قرین است برای همین ارتکازی که سید در اینجا دارند. خیلی جاها در مطالب علمی و در صحنه‌های مختلف، چون ارتکاز لسان ندارد، یکی- دو ارتکاز هست که باید محمل آنها تحلیل دقیق شود. از مثال‌هایی که مکرر محضر شما گفتم و از مثال‌هایی است که با آن مانوس هستیم و در فضای علمی خیلی پر فایده است، همان ادعای تبادر در بحث وضع للصحیح و الاعم است. مکرر عرض می‌کردم باحثین مساله وضع للصحیح و الاعم، علماء بزرگ هستند. اصولیین هستند. طرفین هم که نمی‌خواهند جزاف گویی کنند. طرفین به‌دنبال حق مطلب هستند. اسماء عبادات برای صحیح وضع شده ای برای اعم از صحیح؟ کتب اصولی را نگاه کنید؛ طرفین بحث که علماء بزرگ هستند ادعا می‌کنند که برای صحیح وضع شده به‌خاطر تبادر، می‌گویند برای اعم وضع شده به‌خاطر تبادر. عرض من این بود که چه شد؟! اینها که نمی‌خواهند دروغ بگویند. یک وجدانی دارند. چطور هر دو می‌گویند تبادر دارد؟! از اینجا بود که عرض کردم معلوم می‌شود هر دوی آنها هست. هر دو هم به یک شأنی از آن چه که حاضر دارند مراجعه کرده‌اند. ما باید تحلیل کنیم. اگر بخواهیم استدلال را به کوب به کوب جلو ببریم و یک مختار پیدا کنیم، خب راحت است. آن می‌گوید تبادر است، می‌گوییم بی خودی می‌گویی. العرف بباب و تمام! اما اگر نخواهیم اینطور بگوییم، اینجا است که نوبت به تحلیل می‌رسد. ببینیم منشأ تبادر صحیحی چیست. چرا صحیحی می‌گوید تبادر دارد؟ چرا اعمی می‌گوید تبادر دارد؟ این منشأ، تحلیل تبادر می‌شود.

این شبیه بحث دیروز است. ادعای من این است. اینکه سید می‌فرمایند، عرض کردم خود من سال‌ها جاده قدیم کاشان را وجب می‌کردم. برای همین ارتکاز است که گوای می‌بینند مسأله ی سی ام ماه مبارک است، ای اول شوال است و روزه اش حرام است. این را با خودش دارد. سید هم فرمودند. در این مشکلی ندارید. اما آن چه که دیروز عرض کردم چیز کمی نیست. این بود که اصلاً این حرمت ثبوتی در بدنه متشرعه هیچ بازتابی نداشته است. این هم ناشی از یک ارتکاز است. یعنی وقتی شب سی ام یک اختلافٌ‌ایی می‌شد و عید ثابت نمی‌شد. اختلاف می‌شد و عدل واحدی مدعی رویت می‌شد. در اینجا یکی از متشرعه بیاید و بگوید دَوَران من الآن بین محذورَین است. فردا بر من واجب است ای حرام است؟ بیایند و بپرسند. فقط سوالش باشد. حتی نگوید به مسافرت بروم. عرض کردم مناقشات دیروز مناقشات خوبی است. حتی فرمودند اینکه با مسافرت از روزه فرار کنند، مرسوم نبوده ای اینکه بپرسد چه کنم. حال بوده ای نبوده، روایات فرار صوم هم دارد. ولی علی ای حال آن چه که من عرض می‌کنم این است که تحیّر، موجبِ سؤال می شود. نه اینکه بگوید به مسافرت بروم ای نروم. این جهت را شاید کنسل کنیم.

بازبینی #1
ایجاد شده 5 فوریه 2026 12:14:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2026 12:15:36 توسط ... .